

◄ **صاحب امتیاز و مدیر مسوول**

حسین عبده تبریزی

◄ **مدیر عامل**

مقداد رحیمیان

◄ **دبیر تحریریه**

داوود محمدی

◄ **گروه اقتصادی**

دبیر: بهمن احمدی امویی

محسن شمشیری،قاسم دقنان ، احمد بروغنی،

● چهارشنبه ۷ آذر ۱۳۸۶ | ۱۷ ذی‌القعدة ۱۴۲۸

**پیشنهاد**

**دفترچه خاطرات و فراموشی**

جواد لگزیان



«دفترچه خاطرات و فراموشی» کتابی است از «محمد قائد» که از نگاه او به مسایل امروز پیش‌تر از جنبهٔ روانشناسی اجتماعی حکایت دارد.اولین مقالهٔ کتاب، نوشته‌ای است که از «نوستالژی» یعنی هنر دریغی بر از دست رفتن زیبایی سخن می‌گوید.حسی غمگین ورنانیتک که همهٔ ما در زندگی با آن روبه‌رو هستیم و باتجربهٔ آن زندگی می‌کنیم. قائددر مقالهٔ خود، خواننده‌را به دیداری دوباره از خانهٔ دوران کودکی می‌برد تا او ابعاد قامت کودکانهٔ خویش را در یابد و سپس رد پای حس نوستالژی را در احساسات انسان‌های متفاوت ببی‌گیرد، از نگاه واپس‌گراییه منش اشرافی گرفته تا رویاهای هنرمندانه.

جمع‌بندی او هم از این حس، «کیفیتی است عمدتاً عاطفی و اندکی عقلی؛ هم وابسته به احساس فرد از گذشته است و هم وابسته به نوع نگاه او به جهان متغیر و به زندگی ناپایدار خویش در فقدان انگیزهای در زمان حال و هدفی در آینده، با گذشته می‌توان زیست اما این‌یکه در گذشته هم بتوان زیست جای بحث دارد.» «مفهوم آینده در تفکر اجتماعی معاصر و در ادبیات قدیم مقالهٔ دوم کتاب است که در آن قائد به عرفان سطحی رایج این روزگار سخت می‌تازد و آن را باعث دوبارگی ذهن می‌خواند که در پی انکار دانایی انسان است اما آیا همهٔ حقیقت همین است و نباید با تکیه بر فانتزی، گاه‌رویی تغییر واقیت داشت؟» «دفترچه خاطرات و فراموشی» مقالاتی از محمد قائد در بارهٔ احمد شاملو، شهرت، استنویسم، آرمان و اخلاق را «طرح نو» در ۳۲۸ صفحه و با قیمت چهار هزار تومان منتشر کرده‌است.

**هزار فرسنگ**

شکوه طاهری

**گاليله هنوز نمرده است**



گاليله نام ماهوارهٔ ناورب اروپایی است که از سال ۲۰۱۳ (به روایتی ۲۰۱۱) قابل بهره‌برداری کامل خواهد بود. سیستم کار این ماهواره برابر با جی پی اس آمریکایی و گلوناس روسی است با این تفاوت که موارد استفادهٔ آن شخصی است نه نظامی. جی‌پی‌اس و گلوناس هر دو سیستم ناوربیر نظامی را نیز شامل می‌شوند.

در حال حاضر بزرگ‌ترین مشکل این ماهواره، تأمین هزینهٔ راه‌اندازی آن است. بعد از سال‌ها جدال بالاخره ۲۳ نوامبر کمیسیون اتحادیهٔ اروپا، پیشنهادات در مورد نوع دستور سفارش به کارخانجات مختلف را قبول کرد.

مهم‌ترین پیشنهاد این بود که سفارش‌ها در شش قسمت تقسیم‌شده و هر قسمت به یک کارخانه واگذار شود و این به آن منظور است که از نفوذ بیش از حد کارخانجات و ممالک جلوگیری شود. به این ترتیب آلمان سهم بزرگی در اخذ سفارش‌ها نخواهد داشت.

مریم موسی‌پور، فرشته بهر روزی نیک، آذر جزایری،

سکینه صابری، فرزانه تهرانی، مرجان نماینده، شیرین سعیدی،منظر ویسی ،نرگس نیک‌سمیر، باران محمدی و نجهه آخرنبدیان

◄ **گروه سیاسی**

دبیر: امیر عباس نخعی

کامیوسلمانین،مجتبی فتحی،فرزانه آئینیومرجان توحیدی

◄ **گروه اجتماعی و زنان**

دبیر: ژیلای بنی‌یعقوب

فریده غائب، نرگس جودکی، ترانه بنی‌یعقوب، سحر افاضلی

مهرداد غنی‌پور،دبیر توکلی، ایمان یاکتهاد و آمنه شیرافکن

◄ **گروه فرهنگی**

دبیر: رامک صبیحی

سما بابایی، سارا امتعلی

◄ **گروه بازار سرمایه**

دبیر: حسین زارعی

آرزو علی‌مهد، مریم ابیزی،آرزو ترکتاز، اسفندبنده‌نواز، بهاره نوری

حوریه رضایی،زاده‌رزاقیروزی و معصومه علیدایی

»

# کتابخانه سرمایه

روزنامهٔ اقتصادی صبح ایران

**گزارش آخر**

**مراسم یادبود پزشک جوان در دانشگاه تهران برگزار شد**

## درخواست دانشجویان از قوهٔ قضائیه برای معرفی عاملان مرگ دکتر زهرا

ایمان پاک‌نهاد

مراسم یادبود دکتر زهرا بنی‌یعقوب، پزشکی که به طور داوطلبانه در همدان خدمت می‌کرد و در بازداشتگاه ستاد امر به معروف همدان به طرز مشکوکی از دنیا رفته بود، ظهر دیروز در دانشکدهٔ داروسازی دانشگاه تهران برگزار شد.

در حیاط دانشگاه تهران پوسترهای تبلیغاتی مختلفی از جمله تبلیغ برای سخنرانی هاشم آغاچری در دانشکدهٔ ادبیات و… به چشم می‌خورد ولی در بارهٔ برگزاری مراسم یادبود دکتر زهرا هیچ پوستری دیده نمی‌شود.

نیم‌ساعت مانده به شروع مراسم، پوسترهای رنگی در اندازهٔ A4 مربوط به برگزاری این مراسم به در و دیوار دانشکدهٔ دلسازی چسبانده می‌شود.

روی این پوسترها این چنین نوشته شده است: «آی آدم‌ها که برساحل نشسته، شاد و خندانید… به یاد مظلومیت دکتر زهرا بنی‌یعقوب گرد هم می‌آییم.»

دکتر زهرا یک ماه و نیم پیش به همراه نامزدش در پارکی در همدان توسط نیروهای ستاد امر به معروف و نهی از منکر بازداشت شد. پس از ۴۸ ساعت بازداشت وقتی خانواده‌اش به این شهر مراجعه کردند مأموران

خبر از خودکشی دکتر زهرا در بازداشتگاه دادند. مرگی که به عقیدهٔ خانوادهٔ زهرا مشکوک بوده و با توجه به شواهد موجود فرضیهٔ خودکشی او را منتفی می‌کند.

حدود ۲۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی و دانشکدهٔ داروسازی، صندلی‌های قرمز رنگ سالن رازی را پر کرده‌اند و منتظرند تا خانوادهٔ دکتر زهرا به جمع آن‌ها اضافه شود. دم در ورودی سالن رازی یکی از دانشجویها مشغول چسباندن توماری به دیوار است. این تومار که در برگزیدهٔ دانستهٔ دانشجویان برای معرفی عاملان مرگ دکتر زهراست، خطاب به قوهٔ قضائیه نوشته شده: «به این وسیله مراتب اعتراض خود را نسبت به آنچه بر دکتر زهرا رفته است، اعلام داشته و خواهان تشکیل هیات نظارت و بازرسی برای معرفی عاملان این حادثه تأثیربرانگیز هستیم.» این نامه را بیش‌تر از سه هزار دانشجو امضا کرده‌اند.

پیش از شروع مراسم، موزیک متن محزون فیلم «بوی پیراهن یوسف» ساخته‌مجدد انتظامی در سالن پخش می‌شود. رحیم بنی‌یعقوب با چشم‌هایی نمناک همراه با همسرش از راه می‌رسند و به ردیف اول

◄ **گروه جهان**

کاظم رهبر، حبیبه علیزاده، محمدعلی آذری‌نیا

و مرشیده خادم‌شریف

◄ **گروه ورزشی**

دبیر: امیر صدری

رضا خدادادی، رامین طبرسی

◄ **گروه بازار کالا**

دبیر: رامین نعمتی

مژگان عسگری، شراره ربیسی

◄ **گروه عکس**

سیدرضا حسینی

خلیل امامی

◄ **گروه طرح و کاریکاتور**

دبیر: بهزاد بانشو

تلفن تحریریه: ۸۸۲۰۴۹۸۲

نمابر تحریریه: ۸۸۲۰۹۹۰۸

◄ **سازمان آگهی‌ها**

سرپرست: ساناز صفایی

تلفن‌های بزرگانی: ۸۸۸۲۴۴۳۸-۸۸۸۲۴۴۳۹-۸۸۸۲۴۴۳۷

◄ **روابط عمومی**

مدیر: مجید حیدری

تلفن روابط عمومی: ۸۸۴۳۴۹۸۸

نمابر بازرگانی و روابط عمومی: ۸۸۲۰۴۹۸۸

◄ **چاپ:** چاپ‌کستر

◄ **وب سایت:** http://www.sarmayeh.net

◄ **پست الکترونیگی:** info@sarmayeh.net

◄ **نشانی:** خیابان میرزای شیرازی، خیابان نوزدهم پلاک ۱۵

● **۲۸ نوامبر ۲۰۰۷ شمارهٔ ۶۱۴** ● **صفحهٔ آخر**

راهنمایی می‌شوند. می‌نشینند و به عکس بزرگ

ویدیویی زهرا که در پس زمینهٔ صحنه قرار دارد، خیره می‌شوند.

کف صحنه حدود ۴۰ عدد شمع روشن قرار دارد که به نظر با ترتیب خاصی چیده نشده‌اند. در گوشهٔ سمت چپ هم شش عدد صندلی در دو ردیف چیده شده است. صندلی وسط ردیف اول به طور نمادین به زهرا تعلق دارد و همه جای آن پر از شمع‌های روشن است. چند نفر از دانشجویان، هر یک چند جملهٔ ادبی را برای حضاران می‌خوانند. یکی از آن‌ها این چنین می‌گوید: «چقدر خسته‌ام من امروز، تمام درس‌هایم را خوانده‌ام،

دلسوزی چسبانده می‌شود.

روی این پوسترها این چنین نوشته شده است: «آی آدم‌ها که برساحل نشسته، شاد و خندانید… به یاد مظلومیت دکتر زهرا بنی‌یعقوب گرد هم می‌آییم.»

دکتر زهرا یک ماه و نیم پیش به همراه نامزدش در پارکی در همدان توسط نیروهای ستاد امر به معروف و نهی از منکر بازداشت شد. پس از ۴۸ ساعت بازداشت وقتی خانواده‌اش به این شهر مراجعه کردند مأموران

خبر از خودکشی دکتر زهرا در بازداشتگاه دادند. مرگی که به که از راه می‌رسد من پزشک این دیارم، مردمانی نباید که من درمان کنم، اما نمی‌دانم که روح رنجورم را به چه درمان کنم،

فردای من چه خواهد شد آیا…»

رحیم برای سخنرانی به روی سن می‌رود. ابتدای حرف‌هایش غم‌خواهی می‌کند که با صدایی مملو از بغض سخن می‌گوید و بعد این چنین آغاز می‌کند: «باور نمی‌کنند دل من مرگ خویش را/ آخر چگونه این همه رویای تو نهال/ نگشوده گل، نشسته در بهار/ می‌پذیرم به جان من و خاک می‌شود.»

رحیم گریه‌کنان ادامه می‌دهد: «زهرا جان! چند روزی که از پرکشیدن گذشته بود، برای پیدا کردن مدرکی که نشان دهد تو پزشک بوده ای و به طور داوطلبانه برای خدمت به نقاط محروم رفته‌ای به سراغ وسایل تو می‌روم. در ابتدای جزوه‌هایت دایما به این جمله بر می‌خورم: «الهی یاد تو میان دل و زبان است و مهر تو میان سر و جان» و دلم دوباره آتش می‌گیرد. ای کاش می‌دانستی که گریه‌های زنان روستایی وقتی که برای آوردن یادگاری‌هایت به روستای «سیس» رفته

چند سالی می‌شود به صبحی می‌آیم تا به عصری، آخر فردا که از راه می‌رسد من پزشک این دیارم، مردمانی نباید که من درمان کنم، اما نمی‌دانم که روح رنجورم را به چه درمان کنم،

فردای من چه خواهد شد آیا…»

رحیم آخرین خبرهای مربوط به پروندهٔ خواهرش را برای دوستان او بیان می‌کند: «پس از گذشت یک ماه و نیم از مرگ زهرا و شکایت ما، برای متهمان پرونده به دلیل دستکاری در پرونده و زمان بازداشت ونه به دلیل مرگ خواهرم در بازداشتگاه، قرار وثیقه شان صادر شده است. حکم بازداشت زهرا ۲۴ ساعت بوده اما او را ۴۸ ساعت در بازداشتگاه نگه

داشتند. اکنون تاریخ بازداشت را در پرونده یک روز جلو آورده‌اند تا زمان بازداشت را همان ۲۴ ساعت جلوه دهند.» او ادامه می‌دهد: «برای متهمان پروندهٔ مرگ خواهرم وثیقه‌های یک یا دو میلیون تعیین شده است. این متهمان حتی یک روز هم در بازداشت نبوده‌اند. فقط برای رئیس بازداشتگاه وثیقهٔ ۲۰ میلیون تعیین شده است ولی او همچنان در سمتش باقی است و بازداشتگاه تحت ریاست او اداره می‌شود.»

محمد مصطفایی، وکیل علی از کشف اسناد جدیدی مبنی بر بی‌گناهی علی خبر می‌دهد: «نظر کارشناسان پزشکی قانونی و شهادت برخی شهودنشان می‌دهد که علی به عمد مرتکب قتل نشده‌است به همین دلیل نیز پرونده دوباره به دادستانی فرستاده شد تا داده‌های که مبنی بر تأیید حکم قصاص علی مهین‌ترابی تنظیم شده، نقض شود.» علی در دوران پنج سالهٔ محکومیت و حبس خود دبیرستان را به پایان رسانده و حتی مشغول تحصیل در دانشگاه است. مصطفایی دربارهٔ قتل توضیح می‌دهد: «در جریان نزاع خیابانی رویه‌روی دبیرستان، علی چاقوی را به دست می‌گیرد و پسر دیگری مرتکب (مقتول) را به سوی علی هل می‌دهد که این مسله باعث وارد شدن چاقو به اندازهٔ دو سانتی متر در قلب مقتول و مرگ او می‌شود.»

اولیای دم که دو نفر هستند به ویژه پدر مقتول، اصرار به اجرای قصاص دارند. مصطفایی توضیح می‌دهد: «مادر مقتول که مدت زیادی است متازک کرده، رضایت داده‌اما پدر مقتول اصرار به قصاص دارد.» خانوادهٔ علی، تعاضل قیمت دیه را به حساب دادگستری واریز کرده‌اند و امیدوارند حکم اعدام او تأیید نشود.» مصطفایی معتقد است: «با توجه به این‌که اعدام، مجازاتی بازگشت‌ناپذیر است باید دستگاه قضایی، دقت نظر کافی را داشته باشد و اگر کوچک‌ترین احتمالی مبنی بر بی‌گناهی متهم وجود دارد آن را با دقت بررسی کند.» به ویژه این‌که در مورد این قتل، قاتل نوجوانی ۱۶ساله بوده که به سن قانونی نرسیده و تلقین‌پذیر است.»

در همین حال، داور شیخاوندی، جامعه‌شناس معتقد است: «قصاص شخصی که در دوران کودکی مرتکب قتل شده، درست نیست و باید همچون یک قتل اتفاقی که مستحق تخفیف است با آن برخورد شود. کودکان زیر ۱۸سال جامعه‌پذیر نشده‌اند و خیلی جزو جامعه محسوب نمی‌شوند زیرا خیر و شر را نمی‌شناسند، بنابراین در جامعه‌ای که همسنگی ارگانیکی حاکم است، اینگونه جرایم مستحق قصاص نیستند.»

بودم با من چه کرده‌است.»

برادر دکتر زهرا به حرف‌هایش خاتمه می‌دهد: «سوال‌های زیادی دارم که از تو بپرسم. سوال‌هایی که

تا لحظه مرگ در سینه ام می‌ماند.»

مراسم تمام می‌شود. رحیم که از سالن خارج می‌شود دور و برش را دانشجوها پر می‌کنند. یکی از همکلاسی‌های دکتر زهرا خطاب به رحیم می‌گوید: «قرار بود چند نفر از بچه‌های که با زهرا دوست بودند، سخنرانی کنند؛ اما چه می‌توان کرد. برای ما محدودیت ایجاد کرده‌اند.»

روز دوشنبه قرار بود مراسمی نیز برای گرامیداشت زهرا در دانشکدهٔ علوم پزشکی دانشگاه تهران برگزار شود

که به گفتهٔ رحیم بنی‌یعقوب این

مراسم لغو شد.

یکی دیگر از دانشجویان که خود را عضو سازمان نظام پزشکی معرفی می‌کند در بارهٔ فعالیت‌های خود برای پیگیری موضوع دکتر زهرا به رحیم می‌گوید: «با دکتر صدر، رئیس سازمان نظام پزشکی صحبت کردیم و ایشان هم نامه‌ای را خطاب به رئیس قوهٔ قضائیه نوشتند و ارسال کردند. تا حد توان پیگیری‌هایمان را ادامه خواهیم داد.» یک دانشجوی دیگر به رحیم می‌گوید: «اجازه دهید مساله روال قانونی خود را طی کند. من از شما خواهش می‌کنم که

مساله را سیاسی نکنید و کار را به ما دانشجویان واگذار کنید. هر چند که دانشجویان مارک دار هم نباید در این مساله دخالت کنند.»

رحیم آخرین خبرهای مربوط به پروندهٔ خواهرش را برای دوستان او بیان می‌کند: «پس از گذشت یک ماه و نیم از مرگ زهرا و شکایت ما، برای متهمان پرونده به دلیل دستکاری در پرونده و زمان بازداشت ونه به دلیل مرگ خواهرم در بازداشتگاه، قرار وثیقه شان صادر شده است. حکم بازداشت زهرا ۲۴ ساعت بوده اما او را ۴۸ ساعت در بازداشتگاه نگه

داشتند. اکنون تاریخ بازداشت را در پرونده یک روز جلو آورده‌اند تا زمان بازداشت را همان ۲۴ ساعت جلوه دهند.» او ادامه می‌دهد: «برای متهمان پروندهٔ مرگ خواهرم وثیقه‌های یک یا دو میلیون تعیین شده است. این متهمان حتی یک روز هم در بازداشت نبوده‌اند. فقط برای رئیس بازداشتگاه وثیقهٔ ۲۰ میلیون تعیین شده است ولی او همچنان در سمتش باقی است و بازداشتگاه تحت ریاست او اداره می‌شود.»

**حقوق بشر**

**نوجوانی در انتظار اعدام**

**شواهدی برای اثبات غیرعمد بودن قتل**

**وجود دارد**

«... علی مهین‌ترابی، جوان ۲۱ساله‌ای است که در انتظار تأیید حکم اعدامش از سوی رئیس قوهٔ قضائیه است. او که در ۱۶سالگی به خاطر بی‌احتیاطی باعث مرگ پسری هم‌سن خود به نام مرتکب شده، محکوم به قصاص شده‌است.

محمد مصطفایی، وکیل علی از کشف اسناد جدیدی مبنی بر بی‌گناهی علی خبر می‌دهد: «نظر کارشناسان پزشکی قانونی و شهادت برخی شهودنشان می‌دهد که علی به عمد مرتکب قتل نشده‌است به همین دلیل نیز پرونده دوباره به دادستانی فرستاده شد تا داده‌های که مبنی بر تأیید حکم قصاص علی مهین‌ترابی تنظیم شده، نقض شود.» علی در دوران پنج سالهٔ محکومیت و حبس خود دبیرستان را به پایان رسانده و حتی مشغول تحصیل در دانشگاه است. مصطفایی دربارهٔ قتل توضیح می‌دهد: «در جریان نزاع خیابانی رویه‌روی دبیرستان، علی چاقوی را به دست می‌گیرد و پسر دیگری مرتکب (مقتول) را به سوی علی هل می‌دهد که این مسله باعث وارد شدن چاقو به اندازهٔ دو سانتی متر در قلب مقتول و مرگ او می‌شود.»

اولیای دم که دو نفر هستند به ویژه پدر مقتول، اصرار به اجرای قصاص دارند. مصطفایی توضیح می‌دهد: «مادر مقتول که مدت زیادی است متازک کرده، رضایت داده‌اما پدر مقتول اصرار به قصاص دارد.» خانوادهٔ علی، تعاضل قیمت دیه را به حساب دادگستری واریز کرده‌اند و امیدوارند حکم اعدام او تأیید نشود.» مصطفایی معتقد است: «با توجه به این‌که اعدام، مجازاتی بازگشت‌ناپذیر است باید دستگاه قضایی، دقت نظر کافی را داشته باشد و اگر کوچک‌ترین احتمالی مبنی بر بی‌گناهی متهم وجود دارد آن را با دقت بررسی کند.» به ویژه این‌که در مورد این قتل، قاتل نوجوانی ۱۶ساله بوده که به سن قانونی نرسیده و تلقین‌پذیر است.»

در همین حال، داور شیخاوندی، جامعه‌شناس معتقد است: «قصاص شخصی که در دوران کودکی مرتکب قتل شده، درست نیست و باید همچون یک قتل اتفاقی که مستحق تخفیف است با آن برخورد شود. کودکان زیر ۱۸سال جامعه‌پذیر نشده‌اند و خیلی جزو جامعه محسوب نمی‌شوند زیرا خیر و شر را نمی‌شناسند، بنابراین در جامعه‌ای که همسنگی ارگانیکی حاکم است، اینگونه جرایم مستحق قصاص نیستند.»

**پایانه فروش نوین**

**بانک اقتصاد نوین**

**برای راحتی و کارآیی امور بانکی شما در سفر خدمات خود را از مرزها فراتر برده‌ایم**

**پایانه های فروش بانک اقتصاد نوین در امارات متحدهٔ عربی**

آماده پذیرش تمامی کارت های بانکی ایرانی عضو شبکه ستاب بوده و به شما این امکان را می دهند که به موجودی حساب بانکی تان در ملول مدت قلمت دسترسی داشته و از تمامی لحظه های سفر خود لذت ببرید

- دسترسی به موجودی حساب بانکی در طول سفر**
- واریز وجه در ایران و برداشت بلافاصله آن در امارات**
- عدم نیاز به تهیه ارز و فروش مجدد آن**
- خرید، بدون نیاز به حمل پول نقد**
- ارامش خیال و لذت خرید با کارت**

مرکز ۲۴ ساعته ارتباط نوین  
۰۲۱ ۴۸۰ ۳۱۴۸۰  
www.enbank.ir  
www.pna.co.ir